

درس خارج فقه استاد حمید درایتی

جلسه سی و ششم، ۲۳ آبان ۱۴۰۰

موضوع: کتاب الشركة/ شرکت تعاونی / شرائط صحت شرط

جمع بندی

به نظر می رسد اگر صحت سندی روایت احمد ابن ابی نصر بزنطی پذیرفته شود [1] اساساً نسبت به میراث متعه با صرف نظر از آیات قرآن که مقتضی ارث است، چهار دسته روایت وجود دارد:

- روایاتی که اساساً میراث در متعه را نفی می نمایند (ولیس بینهما میراث).
- روایاتی که اشتراط میراث در متعه را بدون اعتبار می دانند (لیس بینهما میراث اشتراط أو لم یشرط).
- روایاتی که اشتراط میراث در متعه را معتبر می دانند (تزویج المتعة نکاح بمیراث، ونکاح بغیر میراث إن اشترطت کان وإن لم تشرط لم یکن).
- روایاتی که متعه را مقتضی میراث می دانند مگر اینکه شرط عدم میراث شده باشد (إنهما یتوارثان إذا لم یشرطا، وإنما الشرط بعد النکاح).

باید توجه داشت که بعضی از فقهاء نظیر مرحوم شیخ طوسی و صاحب جواهر، اشتراط در دسته چهارم را ناظر بر ذکر أجل در ضمن عقد متعه دانستند اند (به قرینه ی عدم توارث در متعه و تبدیل متعه به نکاح دائم با عدم ذکر أجل) که در این فرض، عدم اشتراط موجب تبدیل نکاح موقت به دائم شده (چهار قول در مسأله است ([2] و علی القاعده مقتضی توارث در بین زوج و زوجة خواهد بود و بنابر این حمل، این روایت از محل بحث خارج می باشد. به نظر می رسد اگرچه بر اساس سایر روایات [3] اطلاق شرط بر ذکر أجل مستبعد نبوده اما به هرحال خلاف ظهور این روایت و مناسبت حکم و موضوع آن است و صرفاً محملی برای جمع روایات می باشد.

در مقام جمع بین روایات باید گفت که اگر نسبت دسته ی اول با سه دسته ی دیگر، عموم و خصوص مطلق باشد، اساساً دسته اول مشمول تعارض نبوده و مبدل به عام فوقانی می گردد

(هرچند نسبت سایر گروه ها با دسته اول بعد از تخصیص، ممکن است منقلب و مختلف شود) اما اگر نسبت يك دسته با آن، عموم و خصوص من وجه باشد، حتی دسته اول نیز طرف تعارض خواهد بود. به نظر می‌رسد نسبت دسته ی اول با دسته ی دوم، تساوی [4] و با دسته ی سوم و چهارم، عموم و خصوص مطلق [5] می باشد فلذا دسته اول عام فوقانی بشمار می آید.

[1] اگرچه مرحوم آیت الله خوئی روایت را ضعیف السند دانسته اند لکن ضعف سند در کتاب مصباح الفقاهة به حسن بن الجهم و در کتاب تنقیح به حسن بن موسی دانسته اند. به نظر می‌رسد هم حسن بن الجهم مشترك بین حسن بن جهم بن بکیر بن أعین و بین حسن بن جهم الرازی است که بنابر قول به تعدد خارجی آن دو، فرد اول ثقة (به توثیق صریح نجاشی) و فرد دوم مجهول می باشد و هم حسن بن موسی که مشترك بین حسن بن موسی الخشاب ثقة و حسن بن موسی مجهول است.

[2] جواهر الکلام، النجفی الجواهری، الشیخ محمد حسن، ج ۳۰، ص ۱۷۲.

[3] وسائل الشیعة، الشیخ الحر العاملی، ج ۲۱، ص ۷۵، أبواب أبواب المتعة، باب ۴۱، ح ۱، ط آل البيت . محمد بن یعقوب، عن علي بن إبراهيم، عن أبيه، عن بعض أصحابه، عن إسحاق بن عمار، قال: قلت لأبي الحسن موسى (عليه السلام): عن رجل تزوج امرأة متعة ثم وثب عليها أهلها فزوجوها بغير إذنهما علانية، والمرأة امرأة صدق، كيف الحيلة؟ قال: لا تمكن زوجها من نفسها حتى ينقضي شرطها وعدتها، قلت: إن شرطها سنة ولا يصبر لها زوجها ولا أهلها سنة؟ فقال: فليتنق الله زوجها الأول، وليتصدق عليها بالأيام فإنها قد ابتليت والدار دار هدامة، المؤمنون في تقية، قلت: فإنه تصدق عليها بأيامها وانقضت عدتها كيف تصنع؟ قال: إذا خلا الرجل بها فلتقل هي: يا هذا، إن أهلي وثبوا علي فزوجوني منك بغير أمري ولم يستأمروني وإني الآن قد رضيت فاستأنف أنت الآن فتزوجني تزويجا صحيحا فيما بيني وبينك. و « محمد بن يعقوب، عن عدة من أصحابنا، عن أحمد بن محمد، عن بعض أصحابه، عن زرعة بن محمد، عن سماعة، قال: سألته عن رجل أدخل جارية يتمتع بها ثم أنسي أن يشترط حتى واقعها يجب عليه حد الزاني؟ قال: لا، ولكن يتمتع بها بعد ويستغفر الله مما أتى.».

[4] اگرچه مضمون دسته اول و دوم مساوی است و در دسته دوم تصریح به اطلاق دسته اول شده است اما دسته سوم، مخصص دسته اول و معارض دسته دوم می باشد.

[5] اطلاق دسته اول شامل اشتراط ميراث و اشتراط عدم ميراث و عدم اشتراط هريك می باشد در حالی که دسته سوم ناظر بر مورد اشتراط ميراث و دسته چهارم ناظر بر اشتراط عدم ميراث می باشد.